

ساخت و اعتباریابی آزمون مهارت‌های زندگی در افراد وابسته به مواد^۱

مسیب یارمحمدی واصل*، هومان نارنجی‌ها**، حسن رفیعی***

طرح مسئله: با توجه به اهمیت مهارت‌های زندگی در حل مسائل بین فردی افراد سوء مصرف کننده مواد و ارتقاء سازگاری اجتماعی و بهبود سلامت روان آن‌ها، هدف پژوهش ساخت ابزاری دقیق و مناسب جهت سنجش مهارت‌های زندگی افراد وابسته به مواد بود.
روش: روش این پژوهش با توجه به اهداف آن توصیفی می‌باشد، جامعه آماری کلیه افراد وابسته به مواد کشور است. نمونه پژوهش تعداد ۳۵۰ نفر به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی از شهرهای تهران، همدان، قم، مشهد، بروجرد، خمین، اصفهان، یزد، کرمان، شیراز، اهواز، آبادان و هرمزگان انتخاب شد. ابزار پژوهش پرسشنامه مهارت‌های زندگی با توجه به تعاریف این سازه، فهرستها، طبقه بندیها، پرسشنامه‌های موجود و پژوهشهای پیشین طراحی شد.

یافته‌ها: برای تحلیل داده‌های پژوهش از نمودار اسکری، ضریب همبستگی پیرسون، آزمون‌های کرویت بارتلت، کفایت نمونه برداری (KMO)، تحلیل عاملی با چرخش واریماکس، آلفای کرونباخ استفاده شد. نتیجه تحلیل عاملی با استفاده از روش واریماکس و بر اساس آزمون اسکری بیانگر وجود شش عامل (مهارت حل مسئله، مدیریت احساسات و هیجانات، مهارت ارتباطی، خود مراقبتی، مهارت ابراز وجود و خودآگاهی) در آزمون مهارت‌های زندگی بود، که در مجموع بیش از ۶۷/۴۸ درصد از واریانس کل آزمون را تبیین کردند. ضریب آلفای کرونباخ برای کل آزمون (۰/۹۲) و خرده مقیاس‌های: مهارت حل مسئله (۰/۹۳) مدیریت احساسات و هیجانات (۰/۹۰) مهارت ارتباطی (۰/۸۹) خود مراقبتی (۰/۹۱) مهارت ابراز وجود (۰/۸۷) خود آگاهی (۰/۹۰) به دست آمد.

نتایج: بنابراین می‌توان گفت پرسشنامه سنجش مهارت‌های زندگی ابزاری معتبر، با روایی بالا برای کاربرد در پژوهش‌های آموزشی، روان‌شناختی و فعالیت‌های بالینی است.

کلیدواژه‌ها: اعتبار، اعتماد، روایی، مهارت‌های زندگی

تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۰/۲۰

تاریخ دریافت: ۸۷/۱۰/۱۶

۱- این پژوهش با اعتبارات مرکز تحقیقات سوء مصرف و وابستگی به مواد دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی انجام گرفته است.

* دکتر روانشناس، دانشگاه بوعلی سینا. همدان <vasel999@yahoo.com>

** پزشک عمومی و کارشناسی ارشد سلامت همگانی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

*** روان پزشک و کارشناسی ارشد سلامت همگانی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

مقدمه

بدون تردید، مقابله با معضل شوم اعتیاد و ابعاد مختلف این پدیده ویرانگر، یکی از دغدغه‌های مهم و اصلی امروز کشور ما می‌باشد. اعتیاد بلای خانمان سوزی است که نزدیک ۱/۵ میلیون نفر را مبتلا ساخته و تبعات آن سایر افراد جامعه را تهدید می‌کند. این پدیده، یکی از پیچیده‌ترین و بغرنج‌ترین آسیب‌های اجتماعی است. اعتیاد به مواد تغییر دهنده افکار، هیجان و رفتار یکی از بارزترین آسیب‌های روانی - اجتماعی است که به راحتی می‌تواند اساس زندگی فردی، خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی یک کشور را از بین ببرد.

در افراد مصرف کننده، مواد به گونه‌ای ناپختگی روانی و ناکارآمدی اجتماعی وجود دارد. بنابراین بهترین شیوه برخورد با این مشکلات فراهم آوردن محیط درمانی است که به افزایش این مهارت‌ها و شایستگی‌های فردی کمک کند (Leon, 2000). صاحب‌نظران عوامل متعددی را در ایجاد اعتیاد مؤثر دانسته‌اند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها عوامل مربوط به خود فرد به ویژه فقدان مهارت‌های زندگی است. بسیاری از افراد جامعه به خصوص افراد سوء مصرف کننده مواد در مقابل مسائل و مشکلات زندگی روزمره فاقد توانایی‌های لازم و به خصوص مهارت‌های زندگی هستند و ارتقاء مهارت‌های زندگی نقش بسیار مهمی در درمان و عود اعتیاد دارد.

به نظر می‌رسد با آموزش مهارت‌های زندگی^۱ (LSD) به معتادین بتوان از برگشت آن‌ها جلوگیری نمود. افراد وابسته به مواد چرخه‌ای از آسیب‌های کارکردی دارند که در نتیجه ناتوانی آن‌ها در کسب مهارت‌های لازم برای زندگی است. این آسیب‌ها بر سلامت و کارکرد فردی این افراد تأثیر منفی دارد. امروزه علی‌رغم ایجاد تغییرات عمیق فرهنگی و تغییر در شیوه‌های زندگی، بسیاری از افراد در رویارویی با مسائل زندگی فاقد توانایی‌های لازم و اساسی هستند و همین امر آنان را در مواجهه با مسائل و مشکلات زندگی و مقتضیات آن آسیب‌پذیر کرده است. پژوهش‌های بسیاری نشان داده‌اند که فقدان

1. life skills training

مهارت‌های زندگی با سوء مصرف مواد ارتباط دارد. با توجه به این امر سازمان بهداشت جهانی (۱۹۹۳) به منظور ارتقاء سلامت روانی و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی همچون اعتیاد و... برنامه‌ای را با عنوان آموزش مهارت‌های زندگی فراهم کرد.

مهارت‌های زندگی مجموعه‌ای از توانایی‌های روانی هستند که زمینه سازگاری مثبت را فراهم می‌آورند و فرد را قادر می‌سازند تا مسئولیت‌های اجتماعی خود را بپذیرد و بدون صدمه زدن به خود و دیگران، با خواسته‌ها، انتظارات و مشکلات روزانه به شکل مؤثری برخورد نماید (طارمیان و همکاران، ۱۳۷۸). مهارت‌های زندگی شامل گروهی از مهارت‌های روان‌شناختی اجتماعی است که توانایی کمک به افراد در تصمیم‌گیری فردی، ارتباط کلامی مؤثر، الگوبرداری، خود‌مدیریتی است که آن‌ها را در رسیدن به زندگی سالم کمک می‌کند (Unicef, 2005). در واقع مهارت‌های زندگی توانایی‌هایی هستند که افراد یاد می‌گیرند آن‌ها را برای یک زندگی موفق، مفید و رضایت‌بخش به کار ببرند (Boyd, 1992).

مهارت‌های زندگی، توانایی روانی - اجتماعی برای رفتار انطباقی و مؤثر هستند که افراد را قادر می‌سازد تا به طور مؤثری با مقتضیات و چالش‌های زندگی روزمره مقابله کنند. آموزش این مهارت‌ها موجب ارتقاء فردی و اجتماعی، محافظت از حقوق انسان‌ها و پیشگیری از مشکلات روانی - اجتماعی می‌شود (سازمان بهداشت جهانی، ۱۹۹۷). مطالعه کریستین و همکاران (Cristian, 2007) نشان داد که آموزش مهارت‌های زندگی به بی‌خانمان‌های مبتلا به اختلالات روانی؛ مهارت‌های خود مراقبتی، مراقبت از خانه، مدیریت پول، مشارکت اجتماعی، تغذیه مناسب بهبود یافت، بهبود این مهارت‌ها بدین صورت تبیین می‌شود که یادگیری و کاربرد مهارت‌های جدید افراد را در زندگی شایسته و توانمند می‌سازد (Zimmerman, 2000).

آموزش مهارت‌های زندگی اصطلاحی است که برای مداخله‌های متعدد مانند ابراز وجود، مدیریت استرس، مدیریت هیجان‌ها، مهارت حل مسئله، خودآگاهی، خودمراقبتی، مدیریت زمان، مدیریت رفتاری، مهارت انتقادی و... اطلاق می‌شود. انتخاب مداخله‌ها

توجه به مهارت‌هایی دارد که فقدان آن در خلال مرحله ارزیابی درمان در مراجع شناسایی شده است. فرض بر این است که مهارت‌های زندگی پایین منجر به سلامت روان پایین و سوء مصرف مواد شده‌اند و در تداوم سوء مصرف مواد نقش دارند. همچنین به نظر می‌رسد که مهارت‌های زندگی پایین، فرد را در معرض خطر بازگشت قرار می‌دهند. آموزش مهارت‌های زندگی به طور وسیعی در برنامه‌های پیشگیری و درمان اعتیاد به کاربرده می‌شوند. چنین برنامه‌هایی در پیشگیری از اعتیاد و پیشگیری از عود بسیار مؤثر است.

برنامه آموزش مهارت‌های زندگی توسط گیلبرت. جی. بوتوین (Botvin, 1997) گسترش یافته است. این برنامه جهت پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر، سیگار و الکل تهیه شده است. این برنامه شامل ۳ بخش است: ۱- آموزش مهارت‌های مدیریت خود شامل توانایی تصمیم‌گیری، تفکر انتقادی، مقاومت در برابر تبلیغات، مقابله با اضطراب، خشم و ناکامی، حل مسئله، تعیین هدف، خود رهبری و خود تقویتی می‌باشد. ۲- آموزش مهارت‌های اجتماعی شامل برقراری ارتباط اجتماعی کلامی و غیر کلامی، ارتقاء شایستگی، احترام به دیگران و مهارت ابراز وجود است ۳- آموزش مهارت‌های مربوط به مشکل، این بخش شامل ارائه اطلاعاتی درباره میزان شیوع مصرف مواد، نتایج کوتاه مدت و بلند مدت سوء مصرف، مهارت‌های مقاومت در برابر فشار دیگران می‌باشد (Botvin and Kantor, 2000).

نهضت آموزش مهارت‌های زندگی پاسخی است به نیازهای افراد جامعه در فرآیند رشد تکالیف اساسی زندگی را یاد بگیرند (Gazda and Borook, 1985). این حرکت بر رشد روانی- اجتماعی، جسمانی، جنسی، شغلی، شناختی، اخلاقی و هیجانی متمرکز است (Powell, 1985). همچنین آموزش مهارت‌های اجتماعی برای اهداف افراد در زندگی توجه می‌کند (Trower, 1982) و آن قضاوت و شایستگی اجتماعی، افکار و رفتار را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Philips, 1980); به نقل از (Pickle simer, et al 1998). در مطالعه آموزش مهارت‌های زندگی بروکز (Borooks, 1984) چهار حوزه (۱) مهارت ارتباطی و بین

فردی (۲) مهارت حل مسئله و تصمیم‌گیری (۳) آمادگی جسمانی و حمایت روانی (۴) شناخت اهداف مهارت‌های زندگی، شناسایی شده است (Picklesimer, et al 1998). تحقیقات مختلف حاکی است که آموزش مهارت‌های زندگی بر دانش حل مشکلات، مهارت‌خواگامی، خود نظارتی، مهارت‌های مقابله و مهارت‌سنجش واقعیت (Turner et al, 2008)، شایستگی روانی - اجتماعی، انگیزش مدرسه و کاهش مصرف الکل مؤثر است (Wenzel et al, 2009). همچنین آموزش مهارت‌های زندگی برای رشد مهارت تصمیم‌گیری، مسئولیت‌پذیری، مهارت‌های بین‌فردی، رفتار اخلاقی و مهارت اجتماعی اثر بخش بود (Astroth, 1996). بوید (Boyd, 1991) نشان داد که افرادی که مهارت‌های زندگی را آموخته بودند، در شناخت خود، کار در گروه، ارتباط و تصمیم‌گیری بهتر عمل کردند. مهارت تصمیم‌گیری اجتماعی یکی از اجزای مهارت‌های زندگی است، آموزش این مهارت به ارتقاء سلامت روان افراد سوء مصرف‌کننده مواد کمک می‌کند (Elias and kress, 1994). پژوهش‌ها نشان داده است که برنامه مهارت‌های زندگی در پیشگیری از سوء مصرف مواد در مدارس مؤثر است. مطالعه بوهلر و همکاران (Buhler et al, 2008) نشان داد که این برنامه، نگرش دانش‌آموزان به مصرف سیگار و الکل را تغییر می‌دهد و پیشگیری قابل قبولی در ارتباط با مصرف مواد اتفاق می‌افتد. مطالعه‌ای که توسط بوتوین و همکارانش براساس آموزش پیشگیری از مصرف مواد مخدر در مدارس انجام گرفت، نشان داد که برنامه پیشگیری از مصرف مواد مخدر که شامل مهارت‌های زد یا طرد مواد مخدر، هنجارهای ضد مواد مخدر و مهارت‌های خود مدیریتی شخصی و مهارت‌های عمومی اجتماعی بود در گروه مداخله میزان مصرف سیگار، مشروبات الکلی و مواد مخدر نسبت به گروه کنترل کاهش یافت (Botvin and Kantor, 2003). تحقیقات تامپسون (Thompson, 1997)، طارمیان (۱۳۷۸) نشان دادند که آموزش مهارت‌های زندگی بر کاهش مصرف الکل و سیگار و مواد مخدر مؤثر است.

مطالعات ادلین و همکاران (Edelen et al, 2007) نشان داد درمان اجتماعی می‌تواند خودآگاهی، تعهد نسبت به خویش‌داری، توانایی حل مسئله و پرهیز سوء مصرف کنندگان مواد را افزایش دهد. دیانا و دونالد (Dianna et al, 1999) نشان دادند فرآیند درمان اجتماعی اعتیاد بر مهارت‌های زندگی، انگیزش، کفایت، افکار، احساسات، رفتار، مثبت‌نگری، توانایی مشاوره، احساس امنیت، کفایت خود، مهارت‌های روانی - اجتماعی (مدیریت هیجانات) و نتایج پیگیری تأثیر مثبت داشته است. با توجه به چارچوب نظری طرح، مرور منابع و تحقیقات پیشین در زمینه مهارت‌های زندگی ۷ مهارت اساسی زندگی عبارتند از:

۱- **مهارت خودآگاهی:** خودآگاهی یعنی پاسخ به این سؤال که من کیستم، شناختی که فرد نسبت به خود دارد. توانایی شناخت خود و آگاهی از خصوصیات مثبت و منفی خود، خواسته‌ها، نیازها، محدودیت‌های خود، شناخت استعدادها، موفقیت‌ها و شکست‌های خود.

۲- **مهارت ارتباطی:** توانایی که فرد را قادر می‌سازد در روابط اجتماعی با رفتارهای کلامی و غیرکلامی ارتباط مؤثر و سازنده‌ای با دیگران برقرار نماید.

۳- **مهارت حل مسئله / مهارت تصمیم‌گیری:** توانایی که فرد را قادر می‌سازد زمانی که با مسئله‌ای مواجه می‌شود با استفاده از دانش و مهارت‌هایی که دارد به آن موقعیت پاسخ درست دهد. مهارت حل مسئله به فرد کمک می‌کند تا به صورت منطقی و منظم به حل مسائل و مشکلات خود بپردازد و فعالانه پیامدها و جوانب مختلف مسئله و راه حل‌های آن را بررسی نماید.

۴- **مدیریت هیجان‌ها و احساسات:** توانایی بیان، درک، کنترل و برانگیختن هیجانات خود و دیگران را مدیریت هیجانی می‌گویند.

۵- **مهارت ابراز وجود:** توانایی ابراز افکار، احساسات و عقاید به نحو مستقیم و غیر مستقیم، توانایی گرفتن حقوق خود به نحوی که حقوق دیگران را زیر پا نگذاریم. توانایی نه گفتن به فشارهای درونی و بیرونی.

۶- **مهارت خود مراقبتی:** توانایی مواظبت از خود از لحاظ روانی (از طریق مطالعه، تجسم، کنترل استرس‌ها، توانایی آرام بخشی) جسمانی (از طریق ورزش، استراحت، تغذیه سالم، رعایت بهداشت جسمی)

۷- **مهارت انتقاد سازنده:** بیان نقاط ضعف یک فرد یا یک مجموعه به منظور بالا بردن کارایی آن. منظور اصلی در انتقاد سازنده بیان کاستی‌ها، کمبودها و رفع نواقص طرف مقابل است. بنابراین هدف از انتقاد به تکامل رساندن شخصیت فرد است. با توجه به اهمیت مهارت‌های زندگی در حل مسائل بین فردی افراد سوءمصرف کننده و ارتقاء سازگاری اجتماعی، بهبود سلامت روان آن‌ها، مقاله حاضر در صدد است تا آزمون مهارت‌های زندگی را جهت ارزیابی مهارت‌های زندگی افراد وابسته به مواد طراحی و اعتباریابی نماید. بدین منظور مقاله حاضر در جهت پاسخ به سئوالات زیر است:

۱- آیا ساختار عاملی پرسش‌نامه از همان هفت عاملی که بر اساس آن ساخته شده اشباع شده است؟

۲- آیا آزمون مهارت‌های زندگی و خرده مقیاس‌های آن از پایایی مناسب و قابل قبولی برخوردار است؟

روش

روش این پژوهش با توجه به اهداف آن توصیفی می‌باشد، جامعه آماری شامل کلیه افراد وابسته به مواد کشور در سال ۱۳۸۷ است. به منظور ساخت آزمون مهارت‌های زندگی و دستیابی به عامل‌های معتبر، نمونه‌ها باید معرف باشند. در این زمینه، بین صاحب نظران مختلف در خصوص حجم نمونه‌های لازم جهت تحلیل عاملی اتفاق نظر وجود ندارد. کامری (Comrey, 1973) معتقد است که حجم نمونه ۱۰۰ نفری برای تحلیل عاملی ضعیف، ۲۰۰ نفری نسبتاً مناسب، ۳۰۰ نفری خوب، ۵۰۰ نفری خیلی خوب و ۱۰۰۰ نفر عالی است (هومن، ۱۳۸۰). بنابراین تعداد ۳۰۰ نفر حجم نمونه مناسب جهت تحلیل عاملی

است. همچنین برخی از محققین اظهار می‌کنند که برای هر متغیر (سؤال) ۵ تا ۱۰ نمونه و به طور کلی در مجموع تا حداکثر ۳۰۰ نفر توصیه می‌شود (سرمد و همکاران، ۱۳۷۹). با توجه به مطالب اخیر، امکانات مالی، کمبود وقت، پراکندگی افراد وابسته به مواد در سطح کشور، جهت اجرای پرسش‌نامه‌ها، حجم نمونه ۳۵۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی طی سه مرحله انتخاب شدند: مرحله اول: «انتخاب استان‌ها» ابتدا از بین استان‌های کشور استان‌های تهران، همدان، قم، خراسان رضوی، لرستان، مرکزی، اصفهان، یزد، کرمان، شیراز، اهواز، و هرمزگان انتخاب شدند. مرحله دوم «انتخاب مراکز درمان» با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده از کل مراکز درمان استان‌های مذکور جمعاً ۱۳ مرکز درمان انتخاب شدند. مرحله سوم: «انتخاب آزمودنی‌ها» بعد از انتخاب مراکز درمان آزمودنی‌های پژوهش به طور تصادفی ساده از شهرهای تهران، همدان، قم، مشهد، بروجرد، خمین، اصفهان، یزد، کرمان، شیراز، اهواز، آبادان و هرمزگان انتخاب شدند. ابزار پژوهش عبارتند از:

پرسش‌نامه مهارت‌های زندگی: با توجه به طرح تحقیق ابتدا باید پرسش‌نامه مهارت‌های زندگی ساخته و اعتباریابی می‌شد، تا با سایر پرسش‌نامه‌های استفاده‌شده. به این منظور مرور گسترده‌ای بر منابع و تحقیقات پیشین در زمینه مهارت‌های زندگی و منابع مربوط به آن انجام دادند. بنابراین پرسش‌نامه مهارت‌های زندگی با توجه به تعاریف این سازه، فهرست‌ها، طبقه‌بندی‌ها و پرسش‌نامه‌های موجود و پژوهش‌های پیشین طراحی شد، که ساخت آن به صورت زیر است: در مرحله اول ابعاد مهارت‌های زندگی مشخص و تعریف شدند. این ابعاد عبارتند از: مهارت حل مسئله، تصمیم‌گیری، تشکر و قدردانی، مهارت ارتباطی، خودآگاهی، تفکر انتقادی، همدلی، خودمراقبتی، کنترل احساسات و هیجانات، مشارکت و همکاری و ابراز وجود. مرحله دوم، پس از تعریف ابعاد، اقدام به تهیه و طراحی سئوالات و عبارت‌هایی شد که بتوانند جوانب مختلف هر بعد را به دقت مورد ارزیابی قرار دهند. سئوالات پس از بررسی و ویرایش، به منظور تعیین اعتبار صوری

و محتوا در اختیار شش نفر از اساتید دانشگاه و صاحب‌نظران قرار گرفت. پس از دریافت نظرات و پیشنهادات اصلاحی، سئوالاتی که نقص داشتند مورد اصلاح و ارزیابی قرار گرفتند و سئوالات نامناسب حذف و سئوالات دیگری جایگزین آن‌ها شدند. ابعاد مهارت‌های ارتباطی، همدلی، مشارکت و تشکر و قدردانی تحت عنوان مهارت ارتباطی با هم ترکیب شدند و یک بعد را تشکیل دادند. بعد از بررسی اعتبار صوری و محتوا، پرسش‌نامه طراحی شده، به صورت مقدماتی در بین ۴۳ نفر از افراد وابسته به مواد در تهران اجرا شد و از آنان خواسته شد تا ضمن پاسخ‌گویی به سئوالات نظرات خود را در خصوص روشن بودن سئوالات نیز بیان نمایند. پس از بررسی و تحلیل پرسش‌نامه‌ها، تغییراتی در فرم اولیه سئوالات داده شد و در نهایت پرسشنامه اصلی با ۲۸۴ سئوال و هفت شاخص آماری (مهارت‌های حل مسئله / تصمیم‌گیری، ابراز وجود، مهارت‌های ارتباطی، خود آگاهی، تفکر انتقادی، خود مراقبتی، مدیریت هیجانات و احساسات) ساخته شد. در نهایت به همراه این پرسش‌نامه برای بررسی روایی همگرای این آزمون از پرسش‌نامه‌های ابراز وجود گمبریل و ریجی، مهارت‌های اجتماعی عباسی و هوش هیجانی سیبر یاشرینگ و روایی واگرای آن از پرسش‌نامه (GHQ-28)^۱ استفاده شده است:

پرسشنامه‌های ابراز وجود: این پرسشنامه دارای ۴۰ ماده می‌باشد که توسط گمبریل و ریجی ساخته شده است. هر ماده آن یک موقعیت را که مستلزم رفتار جرأت‌مندانه است نشان می‌دهد. این آزمون دارای چند دسته سئوال است: ۱- ردکردن تقاضا ۲- بیان کردن محدودیت‌های خود، مثل قبول این که برخی از چیزها را نمی‌دانند. ۳- تقاضا کردن ۴- پیش‌قدم شدن در آغاز یک برخورد اجتماعی ۵- بیان احساسات مثبت ۶- کنار آمدن و قبول انتقاد ۷- قبول تفاوت داشتن با دیگران ۸- دادن پس‌خوراند منفی ۹- ابراز وجود در موقعیت‌هایی که باید کمک کرد. پایایی^۲ آزمون توسط گمبریل و ریجی ۰/۸۱ گزارش

1. General Health Questionnar
2. reliability

شده است. همچنین درایران بهرامی (۱۳۷۵) ضریب اعتبار ۰/۸۸، غفاریانزاده (۱۳۷۹) ۰/۷۳ را برای این پرسشنامه گزارش کرده‌اند (یعقوبی، ۱۳۷۷).

پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی: پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی توسط آقای عباسی (۱۳۸۵) ساخته شده است. این پرسشنامه دارای ۶ بعد و ۱۴۳ سؤال است. ابعاد آن: آغازگری و خاتمه، ابراز وجود، تقویت اجتماعی، جهت دهی، همدلی و همکاری است. پایایی این آزمون خرده مقیاس‌های آغازگری و خاتمه (۰/۸۴)، ابراز وجود (۰/۸۰)، تقویت اجتماعی (۰/۸۷)، جهت دهی (۰/۸۸)، همدلی (۰/۹۲)، همکاری (۰/۸۳) به دست آمده است.

پرسشنامه هوش هیجانی: این آزمون سبیر یاشرینگ ساخته شده است. دارای ۳۳ سؤال می‌باشد که مؤلفه‌های خودانگیزی، خودآگاهی، خودکنترلی، همدلی و مهارت‌های اجتماعی می‌سند. این آزمون توسط منصوری (۱۳۸۰) هنجاریابی و پایایی آن (۰/۸۴) گزارش شده است.

پرسشنامه (GHQ-28): این پرسشنامه توسط گلدبرگ و هیلر (Gold berg and Hiler) ساخته شده است. پرسشنامه سلامت عمومی یک پرسشنامه سرنندی مبتنی بر خودگزارش دهی است که در مجموعه‌های بالینی، باهدف ردیابی کسانی که دارای اختلال روانی هستند، مورد استفاده قرار می‌گیرد. هدف این پرسشنامه دستیابی به یک تشخیص خاص در سلسله مراتب بیماری‌های روانی نیست. بلکه منظور اصلی آن ایجاد تمایز بین بیماری روانی و سلامت روانی است. این پرسشنامه دارای ۴ خرده مقیاس نشانه‌های بدنی، اضطراب و بی‌خوابی، ناکارآمدی اجتماعی و افسردگی است که در مطالعات بر روی جوامع سالم و موقعیت‌های بالینی استفاده وسیعی دارد و ابزاری است که پایایی آن بالاست. گلدبرگ و همکاران (Gold berg et al, 1986) بین داده‌های حاصل از اجرای دو پرسشنامه سلامت عمومی و چک لیست علائم روانی همبستگی بین (۰/۸۷) گزارش کرده اند (یعقوبی، ۱۳۷۴). این آزمون توسط یعقوبی و همکاران (۱۳۷۴) به فارسی ترجمه شده

است و ضریب پایایی برای کل پرسش‌نامه (۰/۸۸) و هر یک از خرده‌مقیاس‌های آن به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۸۱، ۰/۵۸ و ۰/۵۰ گزارش شده است.

یافته‌ها

در این پژوهش در پاسخ به سؤال اول: آیا ساختار عاملی پرسش‌نامه از همان هفت عاملی که براساس آن ساخته شده، اشباع شده است یا خیر؟ و بررسی اعتبار سازه پرسش‌نامه، داده‌ها با استفاده از روش تحلیل عاملی اکتشافی (روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. پیش از اجرای تحلیل عاملی، لازم است مفروضه‌های زیر رعایت شود:

۱. کفایت نمونه برداری^۱ (KMO): سرنی و کیسر (Cerney and Kaiser, 1977) معتقدند که وقتی مقدار KMO بزرگ‌تر از ۰/۶ باشد می‌توان تحلیل عاملی را انجام داد (هومن، ۱۳۸۰).

۲. آزمون خی دو یا کرویت بارتلت: معنی‌دار بودن آزمون خی دو یا کرویت بارتلت حداقل شرط لازم برای انجام تحلیل عاملی است. در آزمون بارتلت رد فرض صفر حاکی از آن است که ماتریس همبستگی دارای اطلاعات معنی‌دار است و حداقل شرایط لازم برای انجام تحلیل عاملی وجود دارد (سرمد و همکاران، ۱۳۷۹).

جدول شماره ۱: مقدار KMO و نتیجه آزمون بارتلت برای ماتریس همبستگی متغیرها

Kaiser-Meyer-olkin Measure of Sampling Adequacy	۰/۹۰
Bartlett's Test of Sphericity Approx. Chi-Square	۱۸۷۲۳/۸۵۵
df	۵۰۵۰
مقدار P	۰/۰۰۱

1. sampling adequacy

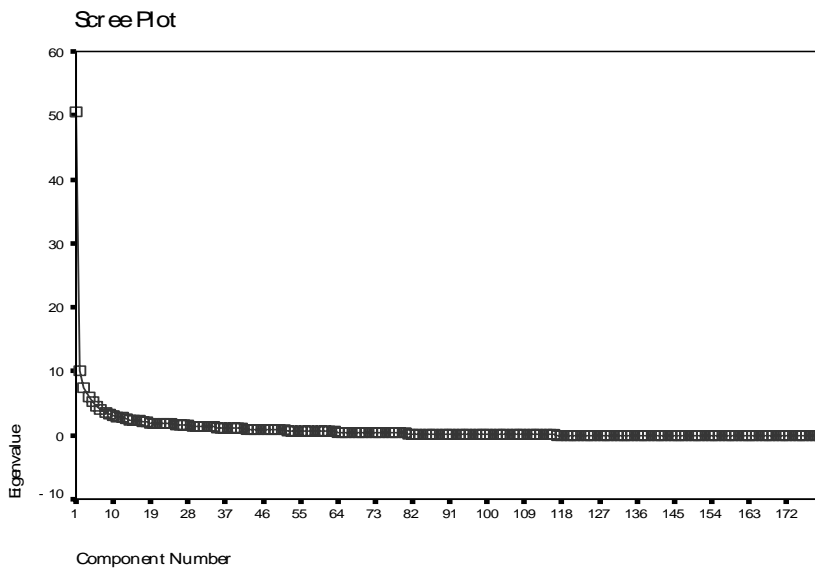
جدول (۱) نشان می‌دهد مقدار KMO برابر ۰/۹۰ و آزمون بارتلت معنادار است. بنابراین، با توجه به کفایت نمونه برداری و معنا داری آزمون بارتلت، ماتریس همبستگی داده‌ها برای تحلیل عاملی امکان‌پذیر است. پس از اطمینان از مناسبت و کفایت ماتریس همبستگی، می‌توان تحلیل عاملی را آغاز نمود. استخراج عوامل اولیه: در این پژوهش به منظور استخراج عوامل اولیه، از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی استفاده شده است.

جدول شماره ۲: شاخص‌های آماری اولیه پرسش‌نامه مهارت‌های زندگی با استفاده از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی

مؤلفه‌ها	ارزش‌های ویژه اولیه			مجموع مجذورات بارهای استخراج شده پس از چرخش		
	ارزش ویژه	درصد واریانس	درصد تراکمی واریانس	ارزش ویژه	درصد واریانس	درصد تراکمی واریانس
۱	۵۰/۴۷۳	۲۸/۰۴۰	۲۸/۰۴۰	۵۰/۴۷۳	۲۸/۰۴۰	۲۸/۰۴۰
۲	۱۰/۰۶۸	۵/۵۹۳	۳۳/۶۳۴	۱۰/۰۶۸	۵/۵۹۳	۳۳/۶۳۴
۳	۷/۴۳۲	۴/۱۲۹	۳۷/۷۶۳	۷/۴۳۲	۴/۱۲۹	۳۷/۷۶۳
۴	۵/۸۷۴	۳/۲۶۴	۴۱/۰۲۶	۵/۸۷۴	۳/۲۶۴	۴۱/۰۲۶
۵	۵/۳۱۸	۲/۹۵۵	۴۳/۶۸۱	۵/۳۱۸	۲/۹۵۵	۴۳/۶۸۱
۶	۴/۴۷۹	۲/۴۸۸	۴۶/۴۶۹	۴/۴۷۹	۲/۴۸۸	۴۶/۴۶۹
۷	۳/۹۶۵	۲/۲۰۳	۴۸/۶۷۲	۳/۹۶۵	۲/۲۰۳	۴۸/۶۷۲

یک تصمیم مهم در اجرای تحلیل عاملی مربوط به تعداد عوامل قابل استخراج برای چرخش می‌باشد. جهت تعیین این‌که چند عامل مناسب برای چرخش وجود دارد، از ملاک‌های مختلفی از جمله «ملاک کیسر» و «آزمون اسکری کتل» استفاده می‌شود.

۱. ملاک کیسر: بر پایه این ملاک، عواملی که دارای ارزش ویژه یک یا بیشتر از آن می‌باشند، به عنوان عوامل قابل استخراج تعیین می‌شوند. همان طور که در جدول مشخص است ۷ عامل دارای ارزش ویژه بزرگ‌تر از یک و قابل استخراج هستند.
۲. آزمون اسکری^۱ کتل: نمودار اسکری ملاک دیگری است که جهت تعیین تعداد عوامل استخراجی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این نمودار محور افقی تعداد مؤلفه‌ها و محور عمودی ارزش ویژه هر مؤلفه را نشان می‌دهد. نقطه‌ای که در آن منحنی برای ارزش ویژه به صورت افقی، نقطه اسکری نامیده می‌شود (سرمد و همکاران ۱۳۷۹). بدین ترتیب با شمارش تعداد عوامل سمت چپ نقطه اسکری تعداد عوامل قابل استخراج مشخص می‌شود.



نمودار اسکری جهت تعیین تعداد عوامل مناسب قابل استخراج

1. scree test

همان‌طور که در نمودار اسکری مشاهده می‌شود (با توجه به نقطه شیب خط تغییر می‌کند)، تعداد عوامل قابل استخراج برای تحلیل عاملی، هفت عامل می‌باشد. در صورت استخراج هفت عامل از ماتریس همبستگی، عامل اول قبل از چرخش ۲۸/۰۴۰ درصد، عامل دوم ۵/۵۹۳ درصد، عامل سوم ۴/۱۲۹ درصد، عامل چهارم ۳/۲۶۴ درصد، عامل پنجم ۲/۹۵۵ درصد، عامل ششم ۲/۴۸۸ درصد، عامل هفتم ۲/۲۰۳ درصد از واریانس را تبیین می‌کند. بنابراین در تحلیل عاملی پژوهش حاضر، هفت عامل ۴۸/۶۷۲ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند که نشان دهنده روایی سازه قابل قبول آزمون است.

چرخش واریماکس

جهت دستیابی به ساختار ساده عوامل در این پژوهش از روش واریماکس استفاده شد، که بارهای عاملی سئوالات هر خرده مقیاس روی هفت عامل مشخص شده است. تحلیل عوامل داده‌ها پس از ۱۱ چرخش آزمایشی به بهترین ساختار عاملی دست یافت. با توجه به ماتریس عاملی چرخش یافته سئوالات این عامل، مشخص شد که:

جدول شماره ۳: سئوالات پرسش‌نامه قبل از چرخش و پس از چرخش

سئوالات پرسش‌نامه قبل از چرخش	سئوالات پرسش‌نامه پس از چرخش	
۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲	۱۶، ۱۲، ۴، ۲۵، ۲۶، ۳۰، ۲۰، ۱۵، ۱۹، ۲۲، ۱۷، ۳، ۴۱، ۱۰، ۷، ۲۴، ۹، ۳۶، ۳۸، ۵، ۲۹، ۸، ۳۲	عامل اول
۳۲، ۳۱، ۳۰، ۲۹، ۲۸، ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۲۴، ۲۳	۱۶۹، ۱۷۲، ۱۹۱، ۱۷۰، ۱۸۷، ۱۷۱، ۱۸۶، ۱۸۹، ۱۹۹، ۱۶۲، ۱۱، ۱۹۵، ۱۳۳، ۶۹، ۲۰۰، ۱۹۲، ۹۵، ۱۹۸، ۱۸۱	عامل دوم
۴۰، ۳۹، ۳۸، ۳۷، ۳۶، ۳۵، ۳۴، ۳۳	۲۸۲، ۱۱۹، ۷۸، ۵۶، ۸۳، ۹۰، ۲۲۷، ۸۱، ۸۲، ۸۷، ۲۲۹، ۱۷۳، ۷۰، ۷۹، ۱۱۶، ۱۰۹، ۷۱، ۱۰۸	عامل سوم

1. varimax

سئوالات پرسش‌نامه قبل از چرخش	سئوالات پرسش‌نامه پس از چرخش	
۲۷۷، ۲۸۰، ۲۷۹، ۲۵۴، ۲۶۳، ۲۷۱، ۲۷۰، ۲۵۹ ۲۷۴، ۲۵۷، ۲۷۳، ۲۵۶	۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰ ۵۱ ۵۳، ۵۲، ۵۴، ۵۵	عامل چهارم
۲۳۹، ۲۰۳، ۲۴۲، ۲۰۷، ۲۲۱، ۲۳۰، ۲۳۴، ۲۲۰ ۲۶۸، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۶، ۲۴۷، ۲۱۹، ۲۴۵	۶۵، ۶۴، ۶۳، ۶۲، ۶۱، ۶۰، ۵۹، ۵۸، ۵۷، ۵۶ ۶۷، ۶۶ ۷۱، ۷۰، ۶۹، ۶۸	عامل پنجم
۱۵۳، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۶۶، ۱۴۰، ۱۴۴، ۱۵۴، ۱۵۱ ۱۶۲، ۱۵۸، ۱۵۵، ۱۶۳، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۴۷	۸۱، ۸۰، ۷۹، ۷۸، ۷۷، ۷۶، ۷۵، ۷۴، ۷۳، ۷۲ ۸۳، ۸۲ ۸۶، ۸۵، ۸۴	عامل ششم
۱۸۰، ۶۳، ۶۸، ۷۶، ۶۷، ۴۹، ۵۳، ۵۰، ۴۸، ۶۶ ۱۷۸، ۱۶۷، ۴۶	۹۶، ۹۵، ۹۴، ۹۳، ۹۲، ۹۱، ۹۰، ۸۹، ۸۸، ۸۷ ۱۰۰، ۹۹، ۹۸، ۹۷	عامل هفتم

سئوال دوم پژوهش:

۲- آیا آزمون مهارت‌های زندگی و خرده مقیاس‌های آن از پایایی مناسب و قابل قبولی برخوردار است؟

۱- **روایی محتوایی:** سئوالات پس از بررسی و ویرایش، به منظور تعیین روایی صوری و محتوا در اختیار اساتید دانشگاه و صاحب نظران قرار گرفت. پس از دریافت نظرات و پیشنهادات اصلاحی، سئوالات مورد باز بینی قرار گرفتند و سئوالات نامناسب حذف شدند.

۲- **روایی همگرا:** در این پژوهش به منظور بررسی روایی همگرا از پرسش‌نامه مهارت‌های اجتماعی، ابراز وجود و هوش اجتماعی به عنوان متغیر ملاک استفاده گردید و ضریب همبستگی آن‌ها با آزمون مهارت‌های زندگی محاسبه گردید که نتایج آن‌ها در زیر آمده است:

جدول شماره ۴: ضریب همبستگی مهارت‌های زندگی با مهارت‌های اجتماعی،

مهارت ابراز وجود و هوش هیجانی

مقدار p	ضریب همبستگی	انحراف معیار	میانگین	شاخص آماری	
				متغیرها	
۰/۰۰۱	۰/۵۰	۷۳/۱۹	۵۰۸/۵۷	مهارت‌های اجتماعی	مهارت‌های اجتماعی
		۵۵/۴۵	۳۷۳/۹۶	مهارت‌های زندگی	مهارت‌های اجتماعی
۰/۰۰۲	۰/۳۷	۱۶/۱۶۸	۱۲۵/۵۰	مهارت ابراز وجود	مهارت ابراز وجود
		۶۸/۱۸	۳۶۵/۴۹	مهارت‌های زندگی	مهارت ابراز وجود
۰/۰۰۹	۰/۲۶	۱۵/۶۹	۹۱/۳۷	هوش هیجانی	هوش هیجانی
		۴۶/۲۶	۳۷۰/۹۵	مهارت‌های زندگی	هوش هیجانی

با توجه به اطلاعات به دست آمده از رابطه آزمون مهارت‌های زندگی با آزمون مهارت‌های اجتماعی ($p = ۰/۰۰۱$ و $R = ۰/۵۰$) رابطه آزمون مهارت‌های زندگی با مهارت ابراز وجود ($p = ۰/۰۰۲$ و $R = ۰/۳۷$) رابطه آزمون مهارت‌های زندگی با هوش هیجانی ($R = ۰/۲۶$) و ($p = ۰/۰۰۹$) از لحاظ آماری معنی‌دار است (جدول ۴). بنابراین می‌توانیم بگوییم که یک رابطه مستقیم و مثبت بین نمرات آزمودنی‌ها در آزمون مهارت‌های زندگی با آزمون مهارت‌های اجتماعی، مهارت ابراز وجود و هوش هیجانی وجود دارد.

۳- **روایی واگرا:** یکی دیگر از راه‌های تعیین روایی سازه، تعیین روایی واگرا است. روایی واگرا اشاره به میزان عدم رابطه یا رابطه منفی مقیاس مورد نظر با سازه‌های غیر مشابه دارد. در این پژوهش از پرسش‌نامه سلامت روان (GHQ-28) به عنوان متغیر ملاک استفاده شد. که نتایج آن در جدول شماره ۵ ارائه شده است.

جدول شماره ۵: ضریب همبستگی مهارت‌های زندگی با سلامت روان

مقدار p	ضریب همبستگی	انحراف معیار	میانگین	شاخص آماری
				متغیرها
۰/۰۰۱	-۰/۴۵	۱۷/۴۱	۷۳/۸۳	سلامت روان
		۵۶/۶۹۷	۳۴۲/۷۶	مهارت‌های زندگی

با توجه به اطلاعات به دست آمده ($R = -0/45$ و $p = 0/001$) میزان همبستگی بین نمرات آزمودنی‌ها در دو آزمون فوق از لحاظ آماری معنی‌دار است و می‌توانیم بگوییم که یک رابطه معکوس و منفی بین نمرات آزمودنی‌ها در آزمون مهارت‌های زندگی با آزمون سلامت روان (GHQ- 28) وجود دارد.

۴- همسانی درونی

رایج‌ترین ضریب برای تعیین همسانی درونی، ضریب آلفای کرونباخ است. ضریب آلفای کرونباخ برای کل آزمون (۰/۹۲) و خرده مقیاس‌های پرسش‌نامه مهارت‌های زندگی؛ مهارت حل مسئله / تصمیم‌گیری (۰/۹۳) مدیریت احساسات و هیجانات (۰/۹۰) مهارت ارتباطی (۰/۸۹) خود مراقبتی (۰/۹۱) مهارت ابراز وجود (۰/۸۷) خود آگاهی (۰/۹۰) به دست آمده است. بنابراین کل آزمون و خرده مقیاس‌های آن از روایی قابل قبولی برخوردار است.

بحث و نتیجه‌گیری

برنامه آموزش مهارت‌های زندگی (Botvin et al, 1995, 1997, 2003) برای پیش‌گیری از انواع خطرات زندگی طراحی شده است. این مهارت‌ها عوامل حمایت‌کننده رشد فردی، مهارت‌های اجتماعی و مهارت مقاومت در مقابل مصرف مواد است. محتوای این مهارت‌ها شامل:

(۱) اطلاعات و مهارت مقاومت در برابر مصرف مواد

۲) مهارت‌های مدیریت خود

۳) مهارت‌های اجتماعی عمومی است.

آموزش این مهارت‌ها در بیست سال اخیر نشان داده است که مصرف سیگار، مواد غیر قانونی، مصرف مواد و الکل از ۵۰ تا ۷۰ درصد کاهش یافته است (Botvin, 2003). اغلب پژوهش‌هایی که بر مداخلات پیش‌گیرانه مبتنی هستند نشان داده‌اند که آموزش مهارت‌های اجتماعی، رفتاری و مهارت‌های زندگی برای افراد سوء مصرف کننده مواد مفید است و مقاومت آن‌ها را نسبت به سوء مصرف داروها، مدیریت خویشتن و مهارت‌های عمومی افزایش می‌دهد و پژوهش‌های مهارت‌های زندگی حاکی است که آموزش مهارت‌هایی نظیر مقابله با اضطراب، جرأت ورزی و مدیریت اجتماعی، نوجوانان را در برابر سوء مصرف مواد مقاوم می‌سازند (vereen, 2007).

ژانه و همکاران (Janet et al, 2003) در پژوهش خود نشان داد که آموزش مهارت‌های زندگی، مهارت مسئولیت پذیری، مهارت همکاری و مشارکت، توانایی آشنایی با مردم، خانواده مداری، مدیریت، مهارت کلامی، خود اطمینانی را افزایش می‌دهد. بوتوین و همکاران (Botvin et al, 2006) برنامه پیشگیری آموزش مهارت‌های زندگی که شامل کنترل و مدیریت خشم، مهارت حل تعارض بود، اجرا کرد و نتایج نشان داد که نزاع، پرخاشگری کلامی و غیر کلامی و بزهکاری گروه مورد مطالعه کاهش یافت. همچنین پژوهش‌ها حاکی است آموزش مهارت‌های زندگی، سن شروع مصرف مواد را به تأخیر انداخته است و منجر به بالا رفتن سن مصرف مواد شده است. (Eisen et al, 2002).

تحقیقات نشان داده است برنامه آموزش مهارت‌های زندگی (LSD) سوء مصرف آمفتامین در بین نوجوانان (Spath et al, 2006) مصرف سیگار و مواد افیونی (Seal, 2006) خشونت کلامی و غیر کلامی، بزهکاری (Botvin et al, 2006) HIV و ایدز را در بین روسپی‌ها، تزریق کنندگان مواد و افرادی که رفتار پر خطر داشتند (Monasch and mahy, 2006) و سوء مصرف مواد چند گانه (Botvin et al, 1995) را کاهش داده است.

آموزش مهارت‌های زندگی در بین افراد دارای اختلال سوء مصرف مواد منجر به افزایش خود مراقبتی و آسایش روان‌شناختی (Moller and linaker, 2006) سن شروع مصرف مواد (Spath et al, 2002) تنظیم هیجان، مدیریت خشم، مقاومت در برابر مصرف مواد (Nichols et al, 2008)، شایستگی فردی و اجتماعی (Botvin and Griffin, 2007)، توانایی تصمیم‌گیری، مهارت امتناع و ابراز وجود، مقاومت در برابر تأثیرات اجتماعی (Epstein et al, 2007) شده است. تحقیقات گریفین و همکاران (Griffin et al, 2006) نشان داد که توانایی‌های اجتماعی مانند مهارت ابراز وجود و اعتماد اجتماعی پیش‌بینی‌کننده‌های مؤثر در رفتارهای ضد اجتماعی مانند؛ پرخاشگری کلامی و جسمانی، رفتار مجرمانه و سوء مصرف الکل است. هر چه میزان توانمندی‌های اجتماعی کاهش می‌یابد بر بروز رفتارهای ضد اجتماعی افزوده می‌شود.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که آزمون تدوین شده مهارت‌های زندگی ابزار نسبتاً قابل اعتماد و معتبری است. سؤال اول پژوهش: به منظور پاسخگویی به سؤال اول پژوهش شواهد مربوط به اعتبار محتوایی، ملاکی و سازه مورد بررسی قرار گرفت.

الف) اعتبار محتوایی: آزمون تدوین شده مهارت‌های زندگی از نظر روایی محتوایی مورد بررسی قرار گرفت و از نظر محققان اعتبار صوری و منطقی آن تأیید گردید و جهت اجرا مناسب تشخیص داده شد.

ب) روایی همگرا: روایی همگرای آزمون به وسیله ضریب همبستگی پیرسون بین نمرات آزمودنی‌ها با آزمون‌های ابراز وجود، هوش هیجانی و مهارت‌های اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت. ضریب همبستگی بین آزمون مهارت‌های زندگی با آزمون ابراز وجود (۰/۳۷) هوش هیجانی (۰/۲۶) و مهارت‌های اجتماعی (۰/۵۰) در سطح $P = ۰/۰۰۹$ معنی‌دار بود.

ج) روایی واگرا: روایی واگرای آزمون به وسیله ضریب همبستگی پیرسون بین نمرات آزمودنی‌ها با آزمون سلامت روان (GHQ) مورد بررسی قرار گرفت. ضریب همبستگی

بین آزمون مهارت‌های زندگی با آزمون مذکور (۰/۴۵-) در سطح $P = ۰/۰۰۰$ معنی‌دار بود. پس می‌توانیم بگوییم که آزمون مهارت‌های زندگی از روایی سازه (روایی واگرایی) کافی برخوردار است.

د) همسانی درونی: همسانی درونی کل آزمون و خرده مقیاس‌ها به وسیله ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد که ضریب آلفای کرونباخ برای کل آزمون (۰/۹۲) و خرده مقیاس‌های پرسشنامه مهارت‌های زندگی؛ مهارت حل مسئله (۰/۹۳) مدیریت احساسات و هیجانات (۰/۹۰) مهارت ارتباطی (۰/۸۹) خود مراقبتی (۰/۹۱) مهارت ابراز وجود (۰/۸۷) خود آگاهی (۰/۹۰) به دست آمده است که از سطح قابل قبولی برخوردار است.

ه) برآورد اعتبار سازه: اعتبار سازه این آزمون از طریق دو روش مورد بررسی قرار گرفت. همبستگی کل آزمون با خرده آزمون‌ها بسیار بالا بود و در سطح $۰/۹۹$ معنی‌دار بود و همچنین اعتبار سازه آزمون به وسیله تحلیل عامل هم مورد بررسی قرار گرفت.

ی) تحلیل عوامل: راه دیگر روایی سازه استفاده از تحلیل عاملی است. در تحلیل‌های عاملی با حجم حداقل ۱۰۰ نفر بار عاملی $۰/۳$ ملاک معقول و مناسبی است و بارهای عاملی $۰/۳$ و بیش‌تر از آن معنی‌دار است. با استفاده از تحلیل عوامل مؤلفه‌های اصلی و با روش چرخش واریماکس آزمون مورد تحلیل قرار گرفت و سئوالاتی که روی مؤلفه‌های مورد نظر دارای بیش‌ترین بار عاملی بودند (بزرگ‌تر از $۰/۴$) در خرده مقیاس‌ها (عامل‌ها) مورد نظر قرار داشتند انتخاب گردیدند. بنابراین ساختار عاملی آزمون از طریق تحلیل عاملی مورد تأیید می‌باشد. که نتایج تحلیل عاملی نشان داد:

۱- بار عاملی ۲۳ سئوال در عامل اول مثبت بود و تحلیل محتوایی سئوال‌ات نشان داد که آن‌ها مهارت حل مسئله / تصمیم‌گیری را می‌سنجد.

۲- بار عاملی ۲۰ سئوال در عامل دوم مثبت بود و تحلیل محتوایی سئوال‌ات نشان داد که آن‌ها مدیریت هیجانات را می‌سنجد.

- ۳- بار عاملی ۱۶ سؤال در عامل سوم مثبت بود و تحلیل محتوایی سئوالات نشان داد که آن‌ها مهارت ارتباطی را می‌سنجد.
- ۴- بار عاملی ۱۲ سؤال در عامل چهارم مثبت بود و تحلیل محتوایی سئوالات نشان داد که آن‌ها مهارت خودآگاهی را می‌سنجد.
- ۵- بار عاملی ۱۵ سؤال در عامل پنجم مثبت بود و تحلیل محتوایی سئوالات نشان داد که آن‌ها مهارت ابراز وجود را می‌سنجد.
- ۶- بار عاملی ۱۵ سؤال در عامل ششم مثبت بود و تحلیل محتوایی سئوالات نشان داد که آن‌ها مهارت خود مراقبتی را می‌سنجد.
- ۷- بار عاملی ۱۳ سؤال در تحلیل محتوایی به دلیل مشابهت (همپوشی) آن با عامل سوم، از پرسش‌نامه حذف شدند.

بنابراین شش عامل آزمون مهارت‌های زندگی (مهارت حل مسئله، مدیریت احساسات و هیجانات، مهارت ارتباطی، خود مراقبتی، مهارت ابراز وجود و خودآگاهی) ۴۸/۶۷ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند. به طور کلی با توجه به نتایج تحلیل عاملی، آزمون مهارت‌های زندگی از شش عامل کلی اشباع شده است و هر یک از این عوامل یک مهارت را می‌سنجد و نتایج به دست آمده تا حدود زیادی با چارچوب نظری مورد استفاده در تدوین آزمون هم‌خوانی دارد.

سازمان بهداشت جهانی (۱۹۹۷) ده مهارت؛ خودآگاهی، همدلی، حل مسئله، تصمیم‌گیری، تفکر خلاق، تفکر انتقادی، مهارت ارتباطی، روابط بین فردی، کنترل هیجانات و مهارت مقابله با استرس را جزء مهارت‌های اساسی زندگی انسان نام برده است. در تحقیق فتحی و همکاران (۱۳۸۷) مهارت فرزند پروری، مهارت حفظ بهداشت و سلامت خود، مدیریت درآمد، توانایی برخورد مناسب، مدیریت خانه، کسب دانش و اطلاعات، توانایی احقاق حقوق، مسئولیت‌پذیری خانوادگی، مهارت حرفه‌ای، مهارت تصمیم‌گیری، مدیریت زمان، مهارت پیشگیری از اعتیاد، مهارت تفکر انتقادی، مهارت

مشارکت اجتماعی، مهارت حل تعارض، مهارت گوش دادن، کنترل خشم، مهارت رویارویی با شکست، مهارت رشد شخصی، تفکر خلاق، مهارت شهروندی، مهارت رفتار قاطع، مهارت دوست یابی، مهارت نه گفتن و مهارت همسرداری به عنوان مهارت‌های لازم برای بزرگسالان معرفی شده است.

یونیسف (Unicef, 2005) مهارت‌های زندگی را شامل: (۱) مهارت‌های ارتباطی؛ مهارت‌های کلامی و غیرکلامی، گوش دادن، بیان هیجانات و احساسات، مهارت ارائه و پذیرش بازخورد، مهارت گفتگو، مهارت نه گفتن، مدیریت تعارض، مهارت همدلی، مهارت مشارکت و همکاری (۲) مهارت حل مسئله و تصمیم‌گیری (۳) مهارت خود مدیریتی و خود کنترلی؛ مهارت خود آگاهی، مهارت تقویت خود ارزشمندی، توانایی افزایش اعتماد به نفس، داشتن معنا و هدف، مدیریت خشم، مدیریت افسردگی، مدیریت عواطف، مدیریت استرس، مدیریت زمان و آرام‌بخشی، میداند.

هانسن^۱ (Hansen, 1992) معتقد است پیشگیری از سوء مصرف مواد دوازده حوزه اصلی را شامل می‌شود؛ دانش در زمینه سوء مصرف مواد، مهارت تصمیم‌گیری، تعهد به هدف، روشن سازی ارزش‌ها، انتخاب افزایش آستانه تحمل، مهارت‌های زندگی، پذیرش استرس، عزت نفس، مهارت کمک یابی. آموزش این مهارت نشان داده است که در پیشگیری از شروع مصرف مواد مؤثر است.

نتیجه‌گیری

نتایج تحلیل داده‌ها حاکی است که پرسش‌نامه مهارت‌های زندگی پژوهش حاضر ابزاری معتبر، با روایی بالا برای کاربرد در پژوهش‌های روان‌شناختی و فعالیت‌های بالینی است. بنابراین می‌توان از آن بعنوان ابزاری جهت تعیین نقاط ضعف و قوت معنادین در زمینه مهارت‌های زندگی به منظور انجام طرح‌ها و برنامه‌های آموزشی به کار برد.

1. Hansen

- دلاور، علی (۱۳۷۴). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. تهران: انتشارات رشد.
- سازمان بهداشت جهانی (۱۹۹۷). برنامه آموزش مهارت‌های زندگی، ترجمه ربابه نوری قاسم‌آبادی و پروانه محمدخانی، تهران، معاونت امور فرهنگی و پیشگیری سازمان بهزیستی کشور.
- سرمد، زهره، بازرگان، عباس، حجازی، الهه (۱۳۷۹). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: انتشارات آگاه.
- طارمیان، فرهاد. ماهجویی، فتحی (۱۳۷۸). مهارت‌های زندگی، چاپ دوم، انتشارات تربیت.
- فتحی و اجارگاه کورش، عارفی محبوبه، اسفندیاری توران (۱۳۸۷). شناسایی و اولویت‌یابی مهارت‌های زندگی مورد نیاز بزرگسالان برای لحاظ کردن در برنامه‌های درسی مدارس. تهران: فصلنامه تعلیم و تربیت؛ ۹۳: ۱۰۱-۶۹
- فتحعلی لواسانی، فهمیه (۱۳۷۸). «مهارت‌های زندگی» جزوه چاپ نشده، معاونت امور فرهنگی و پیشگیری سازمان بهزیستی کشور.
- عباسی، حسن (۱۳۸۵). هنجاریابی آزمون مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دبیرستان‌های دولتی منطقه یک آموزش و پرورش تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- کریس. ال. کلینکه (۱۳۸۴). مهارت‌های زندگی. ترجمه شهرام محمدخانی. تهران: انتشارات اسپند هنر.
- منصوری، بهزاد (۱۳۸۰). هنجاریابی آزمون هوش هیجانی سبیریاشرینگ برای دانشجویان دوره کارشناسی ارشد دانشگاه‌های دولتی شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی.
- هومن، حیدرعلی (۱۳۸۰). تحلیل داده‌های چند متغیری در پژوهش رفتاری. تهران: نشر پارسا.
- یعقوبی، حمید (۱۳۷۷). تأثیر جرات‌آموزی به روش گروهی و ایفای نقش بر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان تفرش. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی.

- یعقوبی، نورالله. شاه محمدی، داوود (۱۳۷۴). بررسی همه گیرشناسی اختلالات روانی در مناطق شهری و روستایی صومعه سرا، گیلان. فصل نامه اندیشه و رفتار، ۱، ۵۶-۵۵.
- Astroth, K. (1996). Leadership in non-formal youth groups: Does style affect youth outcomes? **Journal of Extension**, 34(6). Available at: <http://www.joe.org/joe/1996december/rb2.html>.
- Botvin GJ, Griffin KW. (2007). **School-based programmes to prevent alcohol, tobacco and other drug use**. *International Review of Psychiatry* ;19(6): 607-15.
- Botvin GJ, Griffin KW, Nichols TD. (2006). Preventing youth violence and delinquency through a universal school-based prevention approach. *Prevention Science: Journal of The Society for Prevention Research*: 7(4): 403-8.
- Botvin, G.; Griffin, K.W.; Paul, E.; and Macaulay, A.P. (2003) Preventing tobacco and alcohol use among elementary school students through Life Skills Training. **Journal of Child and Adolescent Substance Abuse** 12(4): 1-18.
- Botvin. G. J.Kantor.L.W. (2000). preventing alcohol and tobacco use through life skills training. **Journal of The National Institute on Alcohol Abuse And Alcoholism**. alcohol research &health, 24(4),250-257.
- Botvin GJ, Baker E, Dusenbury L, Botvin EM, Diaz T. (1995). Long-term follow-up results of a randomized drug abuse prevention trial in a white middle-class population. Institute for Prevention Research, New York, NY, USA. **Journal of American Medical Association**. 12;273(14): 1106-12.
- Boyd, B. L. (1991). Analysis of 4-H participation and leadership life skill development in Texas 4-H club members. Unpublished doctoral dissertation. College Station, TX: Texas A & M University.
- Boyd, B. L., Herring, D. R., & Briers, G. E. (1992). Developing life skills in youth. **Journal of Extension**[On-line], 30(4). Available at: <http://www.joe.org/joe/1992winter/a4.html>.
- Bühler A, Schröder E, Silbereisen RK. (2008). **The role of life skills promotion in substance abuse prevention: a mediation analysis**. *Health Education Research*; 23(4): 621-32.
- Christine A. Helfrich and Louis F. Fogg (2007). Outcomes of a Life Skills Intervention for Homeless Adults with Mental Illness. **The Journal of Primary Prevention**. 10.1007/s10935-007-0103-y.
- De leon, G. (2000). Therapeutic Community: **Model , theory and method**.New youk. Spcompany.
- Dianna N , Donald F, Urvashi P. (1999). **Positive Effects on Life Skills Motivation and Self-Efficacy: Node-Link Maps in a Modified**

- Therapeutic Community. **The American Journal of Drug and Alcohol Abuse**, Volume 25, , pages 407 - 423
- Edelen MO, Tucker JS, Wenzel SL, Paddock SM, Ebener P, Dahl J, Mandell W. (2007). **Treatment process in the therapeutic community; associations with retention and outcomes among adolescent residential clients.** *Subst Abuse Treat.*32(4): 415-21.RAND, Santa Monica CA, USA.
 - Eisen, M.; Zellman, G.L.; Massett, H.A.; and Murray, D.M. (2002) Evaluating the Lions-Quest "**Skills for Adolescence**" drug education program: First-year behavior outcomes. *Addictive Behaviors* 27(4): 619-632.
 - Elias MJ, Kress JS. (1994). Social decision-making and life skills development: a critical thinking approach to health promotion in the middle school. Dept. of Psychology, Rutgers University, New Brunswick. **Journal of School Health**;64(2): 62-6.
 - Epstein JA, Zhou XK, Bang H, Botvin GJ. (2007). Do competence skills moderate the impact of social influences to drink and perceived social benefits of drinking on alcohol use among inner-city adolescents?. *Prevention Science: Journal of The Society for Prevention Research*;8(1): 65-73.
 - Griffin KW, Nichols TR, Birnbaum AS, Botvin GJ. (2006). Social competence among urban minority youth entering middle school: relationships with alcohol use and antisocial behaviors. **International Journal of Adolescent Medicine Health.**;18(1): 97-106.
 - Hansen WB. (1992). School-based substance abuse prevention: a review of the state of the art in curriculum, 1980-1990. Department of Public Health Sciences, Bowman Gray School of Medicine, Wake Forest University, *Health Education Research*; 7(3): 403-30.
 - Janet Fox , Debra Schroeder, Kathleen Lodl. (2003). Life Skill Development Through 4-H Clubs: The Perspective of 4-H Alumni. *Extension Journal*. Volume 41. <http://www.joe.org/joe/1996december/rb1.php>.
 - Moler T, Linaker OM. (2006). The long-term level of functioning in patients admitted for psychotic disorders with and without substance abuse. **Nordic Journal of Psychiatry** ;60(2): 121-5.
 - Monasch R, Mahy M. (2006). Young people: the centre of the HIV epidemic. **World Health Organization Technical Report Series** ;938: 15-41; discussion 317-41.
 - Nichols TR, Mahadeo M, Bryant K, Botvin GJ. (2008). Examining anger as a predictor of drug use among multiethnic middle school students. **Journal of School Health**;78(9): 480-6
 - Picklesimer, Billie K, Miller, Theodore K. (1998). Life-skills development inventory-college form: An assessment measure. **Journal of College Student Development**.

- Seal N. (2006). Preventing tobacco and drug use among Thai high school students through life skills training. *Nurs Health Sci*; 8(3): 164-8. 3
- Spoth RL, Clair S, Shin C, Redmond C. (2006). **Long-term effects of universal preventive interventions on methamphetamine use among adolescents**. *Arch Pediatr Adolesc Med.*; 160(9): 876-82.4
- Spoth RL, Redmond C, Trudeau L, Shin C. (2002). **Longitudinal substance initiation outcomes for a universal preventive intervention combining family and school programs**. *Psychology Addictive Behaviors* ;16(2): 129-34.
- Thompson, E.A. (1997). Enhancing out comes in an indicated drug Prevention program for high-risk Youth. **Journal of drug education**, 27 (1) 19-41.
- Turner NE, Macdonald J, Somerset M. (2008). Life skills, mathematical reasoning and critical thinking: a curriculum for the prevention of problem gambling. Centre for Addiction and Mental Health. **Journal of Gambling Studies** ; 24(3): 367-80.
- Unicef. (2005). Life skills. www.unisef.org.
- Wenzel V, Weichold K, Silbereisen RK. (2009). The life skills program IPSY: positive influences on school bonding and prevention of substance misuse. **Journal of Adolescence**; 32(6): 1391-401.,
- Vereen Don. (2007). **Research Shows Consequences of Drug Abuse on the Teenage Brain**. *Creating Safe and Drug-Free Schools*: vol. 14, no.3.
- Zimmerman, M. A. (2000). Empowerment theory: Psychological, **organizational and community levels of analysis**. In J. Rappaport & E. Seidman (Eds.), *Handbook of community psychology* (pp. 43-64). New York: Kluwer Academic/Plenum Publishers.